

نیل نیکاندراف (Nil Nikandrov) نویسنده، مقاله نویس و دارنده درجه روزنامه نگار بین المللی

مترجم: ا. م. شیری

## بریکس علیه دیکتاتوری دلار یا آمریکا بمثابه مرکز شر

### جهانی

<http://www.fondsk.ru/news/۲۰۱۴۰۷۱۷/briks-protiv-diktatury-dollar-ili-ssha-kak-vsemirnyj-centr-zla-۲۸۵۲۴.html>

۱۹ اسد ۱۳۹۳

در پی جهانی سازی خونین، عقلانیت آهسته و گام به گام، اما عروج می کند. کشورهای مستقل و افکار عمومی جهان هجوم رعدآسای ایالات متحده آمریکا زیر نظر مرکز فرماندهی واقع در واشنگتن و در ورای شعار «دمکراسی تک قطبی» با هدف سلطه بر سرتاسر جهان را یک حمله شکست خورده ارزیابی می کنند. با این حال، دولت اوباما حاضر نیست به شکست خود اعتراف نماید. به همین دلیل، از طریق ترسیم تصویر دشمن و بکمک تبلیغات سیاه برای شروع جنگ بهانه تراشی می کند...

اثرگذاری گروه بریکس متشکل از کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی بر اوضاع جهان و به تدوین برنامه اقدام جایگزین به نفع کشورهای پیشرفته، یک عامل مهم بنیادی زندگی کنونی بین المللی بشمار می رود. انحلال نظام ارزی- مالی بین المللی وابسته به آمریکا، که پس از جنگ جهانی دوم برقرار گردید، در مرحله کنونی شکلگیری جهان چند قطبی در درجه اول اهمیت قرار دارد. کشورهای گروه بریکس در نظر دارند به دیکتاتوری دلار، به استفاده از ضرب نامحدود «برگه های سبز» برای خرید هر چیز دارای ارزش واقعی، به تقلب سیستماتیک ایالات متحده آمریکا در عرصه مالی نقطه پایان بگذارند.

رئیس جمهور روسیه، ولادیمیر پوتین ضمن بیان دیدگاه مشترک در اجلاس ششم سران گروه بریکس در برزیل (۱۵ و ۱۶ ژوئیه) اظهار داشت، که زمان اصلاح نظام مالی - ارزی بین المللی از مدتها پیش فرارسیده، این نظام، هم از دیدگاه اعضای گروه و هم از نظر «اقتصاد جدید»، بطور کلی عادلانه نیست. تسریع مشارکت کشورهای گروه بریکس در فرآیند تصمیم گیریهای صندوق بین المللی پول و بانک جهانی ضرورت یافته است.

در اجلاس فورتالیزه سند پایانی - اعلامیه و برنامه عمل به امضاء رسید. در این اعلامیه نگاه مشترک کشورهای گروه بریکس به اوضاع سیاسی و اقتصادی جاری جهان انعکاس یافته و مختصات همکاری فراگیر مشخص شده است. در این برنامه عمل، وظایف کشورهای گروه بریکس در چشم انداز نزدیک، تا اجلاس بعدی گروه که در ماه ژوئیه سال ۲۰۱۵ در روسیه برگزار خواهد شد، معین شده است. همه رسانه های جمعی جهان از امضای سند نهائی ناظر بر تشکیل بانک جدید توسعه بریکس بمرکزیت شانگهای و ایجاد پول شرطی برای ذخیره ارزی خبر دادند. همانطور که پوتین، رئیس جمهور روسیه تصریح کرد، «تأسیس بانک توسعه و تعیین پول شرطی برای ذخیره ارزی - یکی از گامهای عملی کشورهای ما برای تحکیم و تقویت ساختار مالی بین المللی، متعادل تر و منصفانه تر کردن آن است».

دیلمار روسوف، رئیس جمهور برزیل در خصوص نقش رو به رشد بریکس اظهار داشت: «گروه در تخفیف اثرات منفی بحران مالی جهانی، و همچنین، در امر توسعه پایدار اقتصاد بسیار موفق عمل کرد». تأسیس بانک بریکس و صندوق ذخیره، بگفته وی، نشان می دهد که کشورهای عضو گروه «صرفنظر از تفاوت های فرهنگی، ملی و زبانی، برای شکل اتحاد استراتژیک جامع و مثبت، برای مقابله با بی ثباتی در عرصه بین المللی آماده اند». دیلمار روسوف در پاسخ به انتقادات از گروه بریکس گفت: «ما نه برای مقابله با کسی، بلکه، به سود خود پدید آمده ایم». بنا به تصریح روسوف، «رشد و شکوفائی جهان، فلسفه وجودی گروه است». واقعا هم، سهم گروه «پنج» از مجموع سرمایه گذاریهای جهان، به ۱۱ درصد و از تجارت جهانی، به ۲۰ درصد بالغ می شود. گردش کالا در میان کشورهای بریکس در سالهای اخیر دو برابر افزایش یافته که خود این، فقط آغاز کار است. کارشناسان روسیه یک طرح همکاری جامع و استراتژیک برای گروه بریکس تهیه کرده اند. اجرای آن نقش پیشبرنده گروه در اقتصاد جهان را تضمین می کند.

دیدار سران گروه «پنج» با رؤسای جمهور اتحادیه ملل آمریکای جنوبی گواه بارز اهمیت عامل بریکس در جهان معاصر است. در گزارشات تبلیغاتی و برنامه های تلویزیونی «ضد بریکس» چنین القاء می شود، که در مجمع بریکس فقط رؤسای جمهور «پوپولیست» ونزوئلا- نیکولاس مادرو، اکوادور- رفائیل کوره‌آ، بولیوی- اوا مورالیست و احتمالاً، رئیس جمهور اوروگوئه- خوزه موخیکا، «میانہ رو سابق» شرکت می کنند. اما معلوم شد که همه رهبران کشورهای آمریکای لاتین برای کسب اطلاعات دست اول در خصوص فعالیت و برنامه های گروه بریکس در برزیل جمع شدند. چشم انداز حل روابط تجاری و تقویت همکاریهای اقتصادی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. سران کشورهای آمریکای جنوبی از حداکثر فرصتها برای گفتگو با رهبران گروه «پنج» استفاده کردند.

مادورو، رئیس جمهور ونزوئلا ضمن قدردانی از نشست مشترک، اظهار داشت: «هدف این دیدار، حراست از ایدئالهای جهان چندقطبی است. این مفاهیم در ونزونلای ما در «برنامه میهن» برای سالهای ۲۰۱۳ - ۲۰۱۹ مصوب مجلس ملی کشور، انعکاس یافته است. ما به نظام اقتصادی جدید و به چنان موازینی نیاز داریم که خودمان بطور مستقل در آمریکای جنوبی ایجاد می کنیم. این دیدار بی هیچ تردیدی یک دیدار تاریخی، دیدار بین ملت‌های پنج کشور بسیار توسعه یافته و پر نفوذ جهان با جامعه آمریکای جنوبی محسوب می شود، که در عرصه های اقتصادی، فرهنگی، توسعه ارضی، و با هویت آمریکای جنوبی، راه رشد خاص خود را در پیش گرفته است».

اعضای گروه بریکس بموازات فعالیتهای جمعی، جلسات دو جانبه با هم‌تایان آمریکای جنوبی خود برگزار کردند. در همین راستا، ولادیمیر پوتین مذاکرات موفقیت آمیزی را با رؤسای جمهور ونزوئلا، بلیوی و اوروگوئه انجام داد.

در متن گفتگوهای بریکس و اتحادیه ملل آمریکای جنوبی، واشنگتن کارزار تبلیغاتی گسترده ای تحت عنوان «تهاجم روسیه» به اوکراین براه انداخت. سفیران اتحادیه اروپا را به کاخ سفید فراخواند و از آنها خواست که برای مقابله با «تجاوز روسیه به اوکراین»، تدابیر سختگیرانه علیه آن اتخاذ نموده و مسکو را مجازات نمایند. تحریمهای تازه، از جمله، علیه کمپانی «کالاشنیکوف»، شرکت دولتی «روس نفت» و «نواتک»، «بانک اقتصاد خارجی»، «گازپروم» و برخی مؤسسات صنایع دفاعی برقرار گردید. برخی مقامات عالی رتبه روسیه نیز تحت تحریم قرار گرفتند. سرگئی لاوروف، وزیر امورخارجی روسیه، در باره تصمیمات دولت اواما قبل از

گسترش تحریمها اظهار داشت: «دردناک است، که رئیس جمهور یک کشور بزرگ از چنین موضعی به این نوع مسائل مهم برخوردار می کند». بگفته لاوروف، رهبران گروه بریکس، «اقدام یکجانبه در سیاست جهانی را محکوم نموده... بمنظور حل مسائل مختلف، از تلاشهای همه قدرتهای بزرگ برای یافتن یک راه حل مورد قبول طرفین پشتیبانی می کنند».

تحریمهای آمریکا برعلیه روسیه را کشورهای گروه بریکس و اکثریت کشورهای اتحادیه ملتهای آمریکا جنوبی تقبیح نمودند. گزارشات رسانه های جمعی آمریکای لاتین از اجلاس گروه بریکس و تجزیه و تحلیلهای وبلاگ نویسان حکایت از آن دارند، که تحریمهای واشنگتن با هدف دامن زدن به مناقشات در مرز روسیه و اوکراین با دست «دولت دست نشانده پاراشنکو» وضع شده است. با این حال، اوباما باتکاء «مسئولیت ویژه آمریکا» گفت: «ما به ایفای نقش رهبری در حل چنین مسائلی موظفیم».

نکته جالب توجه این که در طول ربع قرن گذشته، ایالات متحده آمریکا در کجا به حل «چنین مسائلی» موفق شده است؟ آیا کشورهای تخریب شده، دهها هزار قربانی، قتل صدها مقام سیاسی و نظامی<sup>(۱)</sup> به بهانه عدم همگامی با دمکراسی «کاملاً واقعی»، محصول بی مسئولیتی آمریکا نیستند؟ آیا تلاشهای مالیخولیائی واشنگتن برای ایجاد فضای آمریکایی در ویرانه های کشورهای اغلب قدیمی تر و دارای تمدن بمراتب پیشرفته تر، مردم عادی را نمی ترساند؟ این، همان چیزی است که حتی از سوی نزدیکترین کشورهای متحد امپراتوری، بویژه از طرف رهبران خردمند کشورها که روند محتوم تبدیل شدن آمریکا به مرکز شر جهانی را با نگرانی دنبال می کنند، رد می شود.

### توضیح مترجم

(۱) - نکته قابل توجه اینکه، در طول ربع قرن گذشته چندین کشور جهان در اثر هجوم و جنگهای مرئی و یا نامرئی انجمن رژیمهای غربی بسرکردگی رژیم فاشیستی آمریکا به ویرانه تبدیل شده و مردم آنها همراه با کلیه مقامات سیاسی و نظامی (حداقل، مقامات درجه اول و دوم) آنها بطور نظاممند قتل عام شده اند. با این وجود، آمار رسمی این نسل کشیهای شنیع هیچگاه انتشار نیافته و به همین سبب هم، متخصصان و تحلیلگران هنگام اشاره به این قبیل

جنايات هولناك غرب، معمولا، بسته به آهنگ جمله، ارقام مبهم ميليونها نفر، صدها يا دهها هزار نفر بكار مي برند.

خود اين ارقام مبهم، اگر چه از يكطرف، نشاندهنده گستردگي ابعاد جنايت دهشتناك رژيمهاي غربي عليه بشريت است، ولي از سوي ديگر، نشاندهنده سلطه جناح جنگ طلب غرب بر رسانه هاي جمعي است كه بكمك آنها آمار واقعي ويرانيهها و كشتارها كتمان مي شود. بعنوان مثال، در سال ۲۰۱۱، بلافاصله پس از آنكه سرهنگ قذافي پيش پاي هيلاري كلينتون بطرز فجيعي قرباني شد و استعمار دوباره ليبی در پی سقوط دولت مستقل این کشور بدست تروريستهای ناتو و القاعده اعلام گرديد، ناتوی رسانه ای آمار تلفات انسانی این هجوم غرب را بدون ارائه هيچ سند و مدرکی، ۵۰ هزار نفر اعلام کرد و يا هنگام خروج نظاميان اشغالگر غرب از عراق در سال ۲۰۰۹ تلفات انسانی این کشور در طول دوره اشغال ۶ ساله، ۱۰۰ هزار نفر اعلام گرديد.

صرفنظر از بزرگي خود همين ارقام ۵۰ هزار و ۱۰۰ هزار نفر، اما فاصله آنها با واقعيات از زمين تا آسمان است. در مورد نمونه عراق لازم به يادآوری است كه سايت «كنعان» با استناد به وزارت بهداشت و پزشكي قانونی این کشور، تلفات انسانی عراق از سال ۲۰۰۳ تا ماه دسامبر سال ۲۰۰۸ را ۲ و نيم ميليون نفر كشته، ۸۰۰ هزار نفر ناپديد اعلام کرد. علاوه بر این، تقريبا تمامی مقامات سياسي و نظامی کشورهای اشغالی بی سر و صدا يا بقتل رسيدند و يا ناپديد شدند. رجوع شود به اين نشانيها:

[www.kanaanonline.org](http://www.kanaanonline.org)

[www.edalat.org/sys/content/view/۳۶۷۵۴۷](http://www.edalat.org/sys/content/view/۳۶۷۵۴۷)

<http://eb۱۳۸۴.wordpress.com/۲۰۱۰/۱۱/۱۵/>

افزون بر این، نمی توان از نظر دور داشت كه كشتار مردم و ویرانی در کشورهای اشغالی مثل عراق، لیبی، سومالی و غیره، حتی پس از خروج نیروهای تروريستی- اشغالگر غرب، با همان آهنگ دوره اشغال، منتها، بدست نیروهای تروريستی جایگزین مثل القاعده، «داعش»، جبهةالنصره و امثالهم همچنان ادامه دارد.